

## مسابقه حدیث بیداری / گروه سنی (ج)

دوست خوبم! می دانم که هر وقت صحبت از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری امام خمینی، فرار شاه و قیام مردم ایران به میان می آید سوالات زیادی در ذهن نقش می بندد. هر چند که برای رسیدن به جواب این سوالات باید کتابهای زیادی را مطالعه کنی اما در اینجا می خواهیم تو را با جریان پیروزی انقلاب و اتفاقات مهم آن روزها آشنا نماییم.

### همه مردم ایران در فکر مبارزه بودند. این مبارزه و قیام برای چه بود؟

ان روزها روزهای تاریکی بودند روزهایی که هیچ کس نمی توانست در کار حکومت و شاه دخالت کند اگر کسی حرفی می زد با او برخورد های شدیدی می شد. کشور پر شده بود از آدمهایی که به نفع خود تصمیم می گرفتند به نفع خود کار می کردند و برای دیگران هیچ کار خوبی انجام نمی دادند. رضا خان یکی از آن آدمهایی بود که فکر می کرد پایه های حکومت محکم است و فرهنگ غربی ها از فرهنگ ما بهتر است برای همین به رواج فرهنگ آنان می پرداخت. او اصلاً دوست نداشت که علما و روحانیون که به مردم فکرمی کردند در کار او دخالت کنند. حکومت رضا شاه به روحانیون اجازه نمی دادند لباس روحانیت بپوشند. بعد از این پدر خودخواه فرزند مغرور او به عنوان پادشاه انتخاب شد. ظلم و ستم او هم کم از پدرش نداشت. او هم بیش از اندازه خودخواه و خودبین بود. در کشور حکومت نظامی اعلام می کرد یعنی مردم بیشتر از دو نفر نمی توانستند با هم باشند و اینکه از ۹ شب تا ۶ صبح کسی حق رفت و آمد نداشت. زندگی برای مردم در این شرایط بسیار سخت شده بود. آزادی واقعی رنگ خود را به آزادی غربی داده بود.

### چرا امام خمینی رهبر این قیام شد؟

در همان روزها در جایی دیگر که نور و ستاره مهمان بود انسانهایی بودند که زندگی دیگران برایشان مهم بود. آنها دوستدار مظلومین و دشمن ستمگران بودند. یکی از این انسانها ی خوب روح الله خمینی بود. او با قرآن ارتباط خوبی داشت و زندگی ساده ای داشت. او دلسوز مردم بود. اگر در حکومت تصمیمی گرفته می شد که به نفع مردم نبود آیت الله خمینی با آن به مبارزه می پرداخت. یکی از بهترین استادان حوزه علمیه قم بود، که هر جوانی دوست داشت در کلاس درس او بنشیند. این بزرگ مرد تاریخ ایران می گفت تصمیمها ی مملکتی نباید از دین جدا باشد؛ درحالی که حکومت به دین کاری نداشت.



### چرا امام ۱۵ سال در خانه اش نبود؟

این بزرگ ترین مرد ایران در خانه ای کوچک در خمین زندگی می کرد برای همین به جای آیت الله موسوی به او خمینی می گفتند.

سالها ی ظلم و تاریکی برای مردم به سختی می گذشت و آنان در هر فرصتی که می توانستند با راهپیمایی اعتراض خود را نشان می دادند. در یکی از راه پیمایی های خود سربازان رژیم به استادان دانشگاه و مردم حمله کردند .

مردم به آیت الله خمینی امام می گفتند و امام مردم را به مبارزه با حکومت پهلوی دعوت می کردند. حکومت که از حضور امام در ایران می ترسید تصمیم گرفت ایشان را به کشوری دیگر بفرستد، اولین هجرت امام در ۱۳ آبان سال ۴۳ به کشور ترکیه بود .مردم به خیابانها ریختند و تظاهرات به پا کردند . کشور ترکیه ترسید و از حکومت ایران خواست امام را به جایی دیگر بفرستد . این بار عراق انتخاب شد و همین باعث شد امام ۱۵ سال را در نجف زندگی کند . سالهایی که با از دست دادن فرزند بزرگ امام همراه بود . در یکی از شبهای تبعید آقا مصطفی خمینی به طور مشکوکی به شهادت رسید.

### چرا آن جمعه، جمعه سیاه نامیده شد؟

امام همین طور که در تبعید به سر می بردند ارتباط خوبی با مردم ایران داشتند و آنها را هدایت و رهبری می کردند. مردم برای برگزاری مراسم شبهای قدر با مخالفت رژیم روبرو شدند که با کشتار مردم همراه بود .مردم به مناسبت هفتمین روز شهادت مردم بی گناه و بی دفاع در میدان ژاله جمع شدند و به راهپیمایی و تظاهرات پرداختند . ۱۷ شهریور سال ۵۷ رژیم کشتار وحشیانه ای را در طول تاریخ برای خود به یادگار گذاشت . تعداد زخمی ها و کشته ها به قدری بود که بیمارستانها پذیرش نداشتند. میدان ژاله پر از جسد های پیر و جوانی بود که برای مبارزه به شهادت رسیده بودند. آن روز میدان ژاله به میدان شهدا و آن روز جمعه به جمعه سیاه تبدیل شد و این تاریخ و واقعه در یاد همه باقی ماند.

بعد از این تاریخ حضور مردم در کوچه و خیابان برای تظاهرات و راه پیمایی بیشتر و بیشتر می شد و فشارهای حکومتی نیز از آن بیشتر می شد ساواک نام سازمانی اطلاعاتی بود که وقتی نامی از آن برده می شد وحشیانه ترین شکنجه ها را به خاطر می آوردی .



## چرا پرواز ۴۷۲۱ مهم بود؟

آن روز کبوتران ایران آسمان را به کبوتری بخشیده بودند که بهترین هدیه خداوند را همراه خود داشت. آسمان بی قرار و مردم منتظر بودند. از روزی که قاصد شوم شاهی رفته بود ایران شکل دیگری به خود گرفته بود. بعد از اینکه شاه ایران را ترک کرد، مردم بر دوش هم گره خوردند و مجسمه شاه را بر خاک کشیدند

روزنامه کیهان با خطی درشت و پررنگ نوشته بود **امام خمینی جمعه در تهران نماز می خوانند** این جمله داغترین و شیرین ترین خبر آن روز بود که هیجان را به خیابان ها کشیده بود. ارتش که تا آن روز در مقابل مردم بود، حالا پیوند سبزی با مردم داشت. ارتش برادر ماست خمینی رهبر ماست بختیار ابتدا فرودگاه را بست اما وقتی با تظاهرات خشمگین مردم مواجه شد چاره ای نداشت جز اینکه فرودگاه را باز کند.

آخرین اخبار نشان می داد امام در ساعت ۸/۳۰ صبح ۱۲ بهمن در ایران خواهند بود و مردم بعد از ۱۵ سال رهبر مذهبی خویش را می دیدند، مردم مشتاق به آسمان می نگریستند. کبوتری که از آسمان پاریس حرکت کرده بود در ساعت ۹/۳۰ در تهران به زمین نشست . حالا او آمده بود تا مردم را به سوی آسمانی شدن حرکت دهد. اولین مکانی را که برای سخنرانی انتخاب کردند بهشت زهرا بود . آن روز این صدا و این سخنرانی در گوش تاریخ و مردم طنین انداز شد. ((ما فقط قدم اول پیروزی را برداشته ایم و دولت اگر تسلیم نشود، ملت او را به جای خود خواهد نشاند . تا زنده ایم نخواهیم گذاشت هستی ما به کام آمریکا برود . ما می خواهیم مملکت دارای نظام ناشی از ملت باشد... من به پشتیبانی ملت توی دهن این دولت می زنم. کاری نکنید مردم را به جهاد دعوت کنم...))

## در چه روزی رژیم شاهنشاهی سقوط کرد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید؟

روزهایی که پیام آزادی آن هر روز از روز قبل بیشتر می شد به سرعت می گذشت . پس از سه روز امام نیز دولت موقت برای مردم تعیین کردند.

از ۱۵ بهمن تا ۲۲ بهمن دو دولت در ایران وجود داشت . یکی دولت موقت انقلاب اسلامی که امام آن را معرفی کرده بود و مورد تأیید ملت بود و یکی هم دولت بختیار.

بام نشستن کبوتران انقلاب وزارتخانه ها و نهادها بودند . وزارت امور خارجه ، بهداری ، آبادانی و مسکن، آب و برق ، اطلاعات و هرروز تعداد وزارتخانه هایی که به ارتش سبز ملت می پیوست بیشتر می شد و نشانگر گامهای موفق انقلابی بود که در مسیری خدا جویانه قرار گرفته بود.

عده زیادی از کارمندان نیروی هوایی به منزل امام رفتند و با ایشان عکسی تاریخی گرفتند.

جنگ خیابانی به اوج خود رسیده بود . در ۲۱ بهمن از ساعت ۲ بعدازظهر منع رفت و آمد اعلام شد ؛ اما امام این فرمان را باطل اعلام کرد و از مردم خواست به خیابانها بریزند و حکومت نظامی را نادیده بگیرند. کلانتری و پادگانها نیز برای پرواز کبوتران انقلابی حاضر بود . تهران غرق در دود و آتش بود . بختیار و دولتش در یک قدمی سقوط بودند.

در ۲۲ بهمن تظاهرات خیابانی مردم را به کاخ شاه کشاند. جایی که هیچ فضایی برای نفس کشیدن احساس نمی شد. جایی که نور به بند کشیده شده بود و آزادی از مردم گرفته شده بود . مردم کاخ شاه را به تصرف در آوردند، ومیله های اسارت را شکستند.

عصر روز ۲۲ بهمن رادیو و تلویزیون پر از پرواز کبوتران انقلابی شد و سرود آزادی به گوش همه مردم رسید . حالا سرود سرود ایران بود . سرودی سراسر نوید آزادی.

روزنامه ها نوشتند: ملت ایران! بهار آزادی در زمستانی سرد برای شما به ارمغان آمده است. این پیروزی خجسته باد! گام زدنتان در هوای آزاد انقلاب، همیشگی باد.  
آن روز بختیار به جای نامعلومی پناه برد.  
انقلاب ما پیروز شده بود. روزی که سراسر نور بود در تقویم تاریخ ما به یادگار ماند.



### چرا جمهوری اسلامی ایران حکومت انقلابی مردم شد؟

فردای پس از پیروزی نخستین قدم برای انقلاب برداشته شد و اولین کبوتر سفید انقلاب در نهادی به نام کمیته انقلاب اسلامی نشست .  
دولت موقت مامور شد تا قانون اساسی جدیدی را تدوین کند. خزانه کشور که بر اثر توقف فروش نفت و اعتصابهای مردم خالی شده بود، دوباره فعالیت خود را از سر گرفت.  
حفظ آرامش و امنیت برای مردم بسیار ضروری بود و برای برقراری آرامش و امنیت تلاشهای بسیاری انجام شد. دسته دسته کبوتران بر بامها و آسمان به مراقبت از مردم و اسلام می پرداختند تا در آن روزها که بازار شورش برای طاغوتیان گرم بود تلاش مخالفین انقلاب مردمی بی ثمر باقی بماند.  
جلوگیری از فرار سران رژیم طاغوت و محاکمه آنها وظیفه ای بسیار مهم بود.  
آزادی فرزندان انقلاب که به اسارت در آمده بودند نیز از جمله کار های مهم آن روزها بود.  
۲۴ بهمن اتحاد جماهیر شوروی و ۴ کشور مسلمان دیگر ایران را به رسمیت شناختند. حالا بام پرواز انقلاب ما آسمان جهان بود.  
پایان اعتصاب از طرف امام اعلام شد. مردم به پاکسازی شهر ها پرداختند. بر اساس تصمیم هیات دولت حقوق وزیران تعیین شد.  
امام هر آنچه را که برای برقراری یک حکومت سبز لازم بود به ارمغان آورده بود. مردم هم برای کشور آبادانی و امنیت و آزادی می خواستند که در حکومت اسلامی ایران موج می زد.  
با آمدن امام و پیروزی انقلاب اسلامی به تاریخ غارتگر پهلوی پایان داده شد.

روزهای پس از انقلاب چگونه است؟

قدمها دشوار و راه طولانی به نظر می رسید ، امام با سامان بخشیدن به کلیه نهادها و مشخص کردن نظامی خاص و هماهنگ در کشور به امور رسیدگی می کردند. از احتکار جلوگیری می کردند. راستی احتکار یعنی پنهان کردن آذوقه و ما یحتاج مردم و فروختن آن به قیمتی بالاتر و امام با این کار بسیار مخالف بود. در طول جنگ تحمیلی به ایران امام با برنامه ریزی دقیقی توانست امنیت و نیازهای زندگی را برای مردم فراهم آورد.

در عین حال دست از تلاش و سازندگی برنداشتند. از امور مهم برای ایشان رسیدگی به اوضاع مدارس و مدرسه سازی بود.

جهاد سازندگی از ارکان مهم انقلاب شد. ایجاد امکانات ضروری مانند آب و برق برای همه مردم چه در شهرها و چه در روستاها از اهداف مهم جهاد سازندگی بود.

حالا همه جای ایران کبوتران با آرامش در پروازند و نوید آزادی را به نسلهای بعد هدیه می کنند.

